

آینة



از پشت پرده مناظره‌ها تا حصر

● در گفت‌وگو با عزت‌الله ضرغامی:... امروز جنبه‌های اترناسیونالیستی انقلاب تحقق پیدا کرده و ما با دو جهان مواجه شده‌ایم؛ نخست جهان «استکبار» به رهبری آمریکا و دوم جهان «مقاومت» به رهبری جمهوری اسلامی ایران. این مسئله که ظاهر، ادبیات، خلق‌و‌خو و حجاب دختران تغییر پیدا کرده و شکل متفاوتی به خود گرفته به معنای فاصله‌گرفتن جوانان از مسیر انقلاب نیست. در نسل جدید امثال شهید حاجی‌ها نیز فراوان هستند که با تمام توان در خدمت اهداف انقلاب و نظام هستند... هنگامی که قرائت آقای ابطیجی از وضعیت زندان در مدت شش‌ماهی که در زندان بودند را می‌شنوم متوجه می‌شوم که این قرائت با قرائتی که مطرح شده با هم تفاوت دارد. به‌همین دلیل نیز این تفاوت‌ها ذهن من را واقعی‌تر و سالم‌تر می‌کند. امروز برخی از اصلاح‌طلبان از «گفت‌وگوی ملی» و «آشتی ملی» سخن می‌گویند که به نظر من صحیح نیست، مردم و جریان‌های سیاسی با یکدیگر قهر بااین‌وجود ما هنوز نمی‌توانیم با هم حرف بزنیم... بنده خودم را عین حاکمیت می‌دانم و احساس می‌کنم باید نسبت به حاکمیت پاسخ‌گو باشم. امروز برای مردم تفاوت نمی‌کند که به فرض آقای روحانی رئیس‌جمهور است و با آقای احمدی‌نژاد. مردم نسبت به مشکلات خود دغدغه دارند و به دنبال پاسخ‌گویی مسئولان هستند. در نتیجه من باید از حاکمیت دفاع کنم و به مردم پاسخ‌گو باشم. نکته جالب درباره آقای روحانی این است که هنگامی که با ایشان صحبت می‌کنید و برای ایشان دو ساعت استدلال می‌کنید، هنگامی که جلسه تمام می‌شود انکار که با این بشقاب صحبت کرده‌اید و هیچ تغییری در رویکرد ایشان مشاهده نمی‌کنید. این وضعیت حتی در چهره ایشان نیز وجود ندارد و چهره ایشان به شکلی نیست که انسان علاقه به ادامه‌دادن داشته باشد. سه هفته قبل [آخرین‌باری بود که احمدی‌نژاد را دیدم]. منزل آقای احمدی‌نژاد که ایشان به ما شام هم دادند که این دیدار در حدود چهار ساعت به طول انجامید. دو نفر دیگر هم بودند که از ذکر نام آنها معذورم. بحث‌های ما خصوصی است و بیشتر بین خودمان است؛ البته چارچوب این مباحث حفظ و پیشبرد اهداف انقلاب و نظام و حفظ آقای احمدی‌نژاد در فضای سیاسی کشور بود... من مستقل به این دیدار رفته بودم... حصر یک مجازات نبود بلکه یک اقدام امنیتی برای حفظ امنیت و آرامش مردم بود.



اصلاح‌طلبان ورنجی که می‌بریم!

● **عباس حاجی‌نجاری:** در این مقال موضوع اصلی مدیریت شهری تهران نیست، بلکه مهم‌تر عملکرد جریان اصلاحات است که به‌عنوان یک جریان سیاسی، با لطایف‌الحیل مدیریت شهری و کشوری را در دست گرفته و با اجتماع احزاب و گروه‌هایی که به لحاظ فکری و اعتقاد به مبانی انقلاب بعضا در نقطه مقابل هم هستند، به‌جای اینکه پاسخ‌گوی مشکلات باشد و برای رفع مسائل شهری و کشور به شوراها و مدیریت کشور کمک کند، در موضع اپوزیسیون قرار گرفته و با فرافکنی تلاش دارد از مسئولیت‌هایی که به طور طبیعی به انتخابات‌های این جریان وابسته است، شانه خالی کند و حتی در مسیر انتخاب اعضای شورای شهر نیز کارشکنی می‌کند و در عرصه کلان کشور نیز در برخی عرصه‌ها نظیر اقتصادی و اجتماعی با انتخابات‌ها و مطالبات خود موجب اختلال در روند اجرایی کشور شود. اگرچه شاید اولین نتیجه این عملکرد ادبار مردم به این جریان باشد، اما این از یک سو می‌تواند به نایم‌دیی مردم از قابلیت جریان‌های سیاسی در اداره کشور بینجامد و از سوی دیگر می‌تواند به تلاش برای چالش‌آفرینی‌های جدی برای کشور جهت بقا در عرصه سیاسی منجر شود که نقش افراطیون این جریان در آشوب‌های اخیر و حمایت آنها از شبکه‌های اجتماعی دامن‌زننده به آشوب‌ها و مخالفت با مدیریت فضای مجازی در رسانه‌ها و مواضع چهره‌های شاخص جریان، تنها نمونه‌های آشکار آن است.

جری اسلامی

آنچه بر تلگرام فائق آید

● **مسبح مهاجری:** به این واقعیت تاریخی توجه کنیم که تحریم و توقیف و فیلترکردن همان‌طور که نتوانست ویدئو و ماهواره را کنار بزند تلگرام را هم نمی‌تواند کنار بزند. آنچه می‌تواند بر مفاسد تلگرام فائق آید، عملکرد صادقانه مسئولین است. اعتماد مردم را جلب کنید تا اعتقادات و اخلاق و همراهی مردم با نظام حفظ شود. در این صورت است که تلگرام نفوذ و جاذبه خود را از دست می‌دهد و در برابر آنچه مسئولان بگویند و بخواهند مقاومتی نمی‌تواند داشته باشد. تردیدی نداشته باشید که فیلترکردن و حکم قضائی و بخشنامه و فشار نمی‌تواند بر تلگرام فائق آید، آنچه می‌تواند بر تلگرام فائق آید، صداقت شماست...

politics@sharghdaily.ir

● هفته گذشته خانم مرکل، صدراعظم

آلمان و آقای مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، با مأموریت نجات برجام به‌طور جداگانه به واشنگتن رفتند. با توجه به پیشینه روابط برلین -واشنگتن تصور می‌کنید خانم مرکل امکان تأثیرگذاری بر ترامپ داشته یا نه؟

رابطه آلمان و آمریکا به‌صورت سنتی رابطه فراآتلانتیکی و نزدیک است. به گفته برخی از دیپلمات‌ها مهم‌ترین شریک آمریکا در اروپا بعد از انگلستان، آلمان است، اما در جریان انتخابات آمریکا با موضع‌گیری‌هایی که آقای اشتان مایر داشت، معلوم بود با انتخاب ترامپ، این رابطه خالی از مشکل نخواهد بود. بعد از انتخاب ترامپ هم او در مواجهه با اروپا و چین، موضع‌گیری‌هایی مربوط به مازاد تجاری‌شان داشت. مازاد تجاری آلمان بین کشورهای اروپایی حدود ۵۰ میلیارد یورو نسبت به آمریکاست، بنابراین بانک ترامپ از نظر سیاست‌های اقتصادی، کاهش تراز منفی آمریکا بوده و متوجه سه کشور اساسی می‌شد که هر سه کشورهای اکسپورت اورینتد (غیرخام‌روشی) هستند: آلمان، چین و ژاپن. اولین اقدام ترامپ هم افزایش تعرفه‌های کالایی مثل فلزات و اسیتیل برای اروپا و چین بود که فعلا برای چین اعمال شده است. دیدار اول خانم مرکل با ترامپ بسیار سرد بود، اما رسانه‌ها دیدار اخیرشان را این‌گونه توصیف کرده‌اند که دیدار گرم‌تری بوده است. همان‌طورکه ملاحظه کردیم، ترامپ جواب قاطعی در ملاقات با خانم مرکل نداد، همان‌گونه که آقای مکرون را در بلاتکلیفی نگه داشته است.

● **از لحاظ سیاسی و اقتصادی بین اروپایی‌ها برای نجات و حفظ برجام یک هم‌گرایی وجود دارد. اما فرانسه از بقیه پیش‌قدم‌تر است. از لحاظ اقتصادی و سیاسی آیا آلمان متنفذتر از برجام است یا فرانسه؟**

آلمان همواره شریک تجاری اول ما بوده، بعد از برجام نیز ملاقات‌های اقتصادی از آلمان بیشتر از فرانسه و انگلیس بود، اما درحال‌حاضر با توجه به اینکه برداشت نفت در اروپا به‌وسیله فرانسه و ایتالیا انجام می‌شود، اگر بخواهیم به مجموعه روابط اقتصادی در اروپا نگاه کنیم، ایتالیا و فرانسه از آلمان جلوتر هستند. علت آن هم برداشت نفت وتوتال و انی (Eni و Total) است. البته صادرات آلمان به ایران، قابل مقایسه با صادرات ایتالیا و فرانسه نیست، در آخرین آمار از سال ۲۰۱۷ تاکنون، ایتالیا مقام اول را دارد و فرانسه و آلمان در رتبه‌های بعدی هستند. از نگاه برداشت نفتی آجیب یا ایی یا... در همان کشورها استفاده می‌شود، بنابراین خیلی نمی‌شود روی این رقم به‌عنوان توسعه روابط اقتصادی حساب کرد، زیرا صادرات آلمان به ایران به‌مرابت بیشتر از فرانسه و ایتالیااست. در سال ۲۰۱۷ رابطه تجاری ایران و آلمان نزدیک به ۲۵ درصد رشد داشته و رقم آن به ۳۰۴ میلیارد یورو رسید. وقتی من کارم را در آلمان شروع کردم این رقم ۲۰۲ بود. البته این رقم نسبت به سال‌های اوج رابطه ما که سال آخر دولت آقای خامنی بود، پایین‌تر است.

سال ۲۰۰۵، اینن رقم چیزی حدود ۵۰۸ میلیارد یورو بود. بعد از آنکه وارد دوره اول آقای احمدی‌نژاد شدیم، این آمار شروع به افت کرد و کمترین میزان رابطه تجاری در سال ۲۰۱۳ بود، ولی از سال ۲۰۱۴ به‌تدریج شروع به افزایش کرد. درحال‌حاضر هم رقم‌ها روبه‌رشد است. در ماه اول سال ۲۰۱۸، رقم میزان تجارت به ۵۵۰ میلیارد یورو رسید که نزدیک به ۱۳ درصد رشد دارد. پروژه‌های بزرگی که ما در سفارت دنبال آن هستیم، هنوز به نتیجه نرسیده است. ما در آلمان در زمینه اقتصادی برای اولین‌بار سعی کردیم آلمان‌ها را در حوزه‌های بالادستی صنایع ایران درگیر کنیم. الان درباره دو میدان نفتی در حال مذاکره هستیم که اگر روند مذاکرات به‌خوبی پیش برود، شاید در دو ماه آینده امضا شود.

در زمینه پتروشیمی، آلمان‌ها برای مشارکت در پروژه‌های زیادی در حال مذاکره هستند، ولی شرایط سیاسی را بررسی می‌کنند. در پروژه‌های راه‌آهن ایران، شرکت‌های «زیمنس» و «تالس» تفاهم‌نامه همکاری امضا کرده‌اند. همین شرکت‌ها در زمینه نیروگاه نیز فعال هستند. بنابراین پروژه‌های بزرگ ما، مثل همکاری با فولکس‌واگن که من شروع کردم و امیدواریم ادامه پیدا کند، هنوز به بار ننگشته است.

● **موعد ۲۲ اردیبهشت، تصمیم این شرکت‌ها را به تعلیق برده است؟**

واقعیت این است که از شدت و حدت برخی از این پروژه‌ها برای همکاری با ایران، مثل پروژه‌های نفتی کاسته نشده است؛ اما به دلیل وابستگی‌ای که در اقتصاد جهانی وجود دارد، در واقع شرکت‌هایی که در آمریکا فعال هستند و از تجارت با آمریکا سود می‌برند، قطعاً برای همکاری دچار تردید شده‌اند. باید واقعیت‌ها را اعلام کنیم و این یک واقعیت است. مثلاً ما در زمینه پتروشیمی در یک پروژه استثنائی و بزرگ انتخاب شدیم؛ هرچند الان مذاکراتش قطع نشده، ولی کند شده است. این کندی مذاکرات نیز بعد از آخرین اعلام ترامپ درباره برجام رخ داده است.

دیپلماسی

سفیر تهران در برلین از نقش اروپا در آینده توافق هسته‌ای می‌گوید

آلمان‌ها می‌گویند در خروج از برجام تعجیل نکنید



زینب اسماعیلی: هم دیپلمات است و هم نفتی، ازهمین رو اقتصاد و قوانین حاکم بر آن را خوب می‌شناسد،

همین‌ها موجب شده به کشوری مأمور شود که رابطه بالای تجاری با ایران دارد. علی‌ماجدی از سال ۹۳ سفیر ایران در برلین است، پیش از آن معاون بین‌الملل و بازرگانی وزارت نفت بوده، تجربه سفارت در ژاپن و برزیل را هم دارد؛ اما سابقه کار اقتصادی او فراتر از اینهاست، او در سال‌های دهه ۶۰، مشاور نخست‌وزیر دوران جنگ بوده است. او جز، منتقدان سیاسی‌کردن فعالیت‌های اقتصادی است و در سخترانی اخیرش در تهران در ششمین همایش تجاری و بانکی ایران و اروپا این‌گونه می‌گوید: «باید سیستم پولی و بانکی ایران آپدیت و به‌روز شود، متناسفانه گاهی در کشور ابزارهای اقتصادی به یک موضوع سیاسی تبدیل می‌شود؛ مثلاً FATF یک ابزار اقتصادی است و من نمی‌دانم چرا ما آن را سیاسی می‌کنیم».

او که بر موانع اقتصادی همکاری تهران – برلین کاملاً اشرف دارد، درصدد رفع مشکلات بانکی بین دو کشور است و یکی از جدیدترین دستاوردهایش این است که قرار است به‌زودی بانک‌های ایرانی خاورمیانه و بانک سامان در شهرهای مونیخ و فرانکفورت شعبه بزنند. بانک سینا نیز قرار است شعبه‌ای تأسیس کند که هنوز شهر مورد نظر خود را تعیین نکرده است. پس از اجرای برجام، بانک ملی ایران در هامبورگ و بانک سپه شعبه فرانکفورت در حوزه تجارت خارجی و عملیات ارزی ایران فعال شده‌اند و بانک «تجارتی ایران و اروپا» نیز در این عرصه فعالیت دارد. به‌گونه‌ای که بخش درخزور توجهی از مرادوات ارزی ایران پس از برجام به همت شعبه بانک ملی در آلمان و بانک مشترک ایران و اروپا انجام شده است. در فرصت حضور علی‌ماجدی، سفیر ایران در آلمان، در تهران، با او درباره آنچه در همکاری دو کشور می‌گذرد صحبت کردیم. او از مشکلاتی گفت که تعلیق‌های ترامپ بر سر راه رابطه اقتصادی دو کشور ایجاد کرده است. همتای آمریکایی او در آلمان روزهای گذشته در مصاحبه‌ای به شرکت‌های آلمانی توصیه کرده با ایران همکاری نکنند. آقای سفیر در برلین روزهای پرکار و سختی را می‌گذراند.

● **یعنی از دی‌ماه...**

به‌عمد مذاکرات را طولانی می‌کنند تا ببینند در ۲۲ اردیبهشت چه اتفاقی خواهد افتاد.

● **در آلمان این گزینه وجود دارد که در صورت لغو برجام، همکاری‌ها را به صورت دو جانبه به پیش ببرند یا اینکه همه چیز تحت‌الشعاع برجام پیش می‌رود؟**

واقعیت این است که در این چهار ماه، من به‌عنوان نماینده نظام با مقام‌های اقتصادی و سیاسی آلمان صحبت‌های زیادی داشتم. آلمان‌ها با هدف اینکه بعد از موعد اردیبهشت چه می‌شود، صحبت نمی‌کنند؛ آنها می‌گویند ما تمام تمرکزمان را روی این گذاشته‌ایم که آمریکا را در برجام نگه داریم. دو محور مشخص از سوی آلمان اعلام شده است؛ یکی اینکه برلین همه تلاشش را می‌کند تا آمریکا در برجام بماند. اگر موفق نشدیم، شما در خروج از برجام تعجیل نکنید و اجازه دهید پروسه‌ای که در برجام دیده شده، تعقیب شود.

● **یعنی پروسه شکایت به کمیسیون مشترک برجام؟**

بله، پروسه شکایت به کمیسیون و اینکه دوباره وزرا دور هم جمع شوند و درباره اینکه چه تصمیمی باید بگیرند، صحبت کنند. شواهد نشان می‌دهد احتمال خروج ترامپ از برجام بیشتر از ماندنش در توافق است؛ مگر اینکه مذاکراتی که با آقای مکرون و خانم مرکل داشته، نظرش را تغییر داده باشد. البته در عالم

سیاست، بخش‌های سری از مذاکرات اعلام نمی‌شود و باید تا ۱۲ می منتظر ماند.

● **ولی یک احتمال دیگر هم وجود دارد و آن اینکه ترامپ تسوې را بیندازد در زمین اروپا، و چین و بگوید با تقاضای اروپا و با توجه به اینکه آنها شروط من را پذیرفته‌اند، این بار هم تمديد می‌کنم، ولی باز همان ادبیات منفی را**

درباره ایران و برجام ادامه دهد. در این شرایط ما باز هم با کنشدن مذاکرات همکاری‌های اقتصادی و حالت تعلیق مواجه خواهیم شد یا نه؟

یکی از گزینه‌هایی که به نظر من می‌رسد، همین است. چون ترامپ با این شیوه، عملاً جلوی فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌مندی ما از برجام را می‌گیرد. شرکت‌های کوچک و متوسط آلمانی که با آمریکا تجارت ندارند، با تجارت محدودی با این کشور دارند، مثل شرکت‌های فعال در حوزه انرژی‌های نو (بادی و خورشیدی) به‌هیچ‌وجه شرکت‌هایی که در آمریکا فعال هستند و از تجارت در دست اجراست، تغییر نکرده و گسترده‌تر هم شده است؛ اما شرکت‌ها سیاست واحدی ندارند. آلمان هم پیشنهاد می‌کند با اینها کار نکند. اینجا ما با دو بخش از شرکت‌ها مواجه هستیم؛ یکی شرکت‌های کوچک و متوسط و دوم شرکت‌های بزرگ که سیاست یکسانی ندارند؛ اما در زمینه انرژی‌های نو و فروش تجهیزات، کاملاً

سودآوری بسیار بسیار محدود است، حاضر نیستند که ریسک زیادی کنند.

● **یعنی همان پیچیدگی‌هایی که بر اقتصاد جهانی حاکم است، بر همکاری این شرکت‌ها با ایران نیز حاکم است؛ علاوه بر نگرانی از لغو برجام و تحریم؟**

متأسفانه ما درک درستی از مسائل نداریم. من یک ایده شخصی را مطرح کردم که اروپا و ایران، بانکی درست کنند که صرفاً با یورو کار کند. البته این بانک هیچ وقت نمی‌تواند گسترده و وسیع شود؛ ولی می‌تواند بانکی باشد که در حد متوسط صرفاً با یورو کار کند. این بانک در واقع مشکل تبدیل پول نخواهد داشت. می‌تواند علاوه با ایران با اروپا و روسیه کار کند و از این نظر هم مشکلی نخواهد داشت. آقای فیچن، مدیرعامل قبلی بانک دوپچه بانک، دنبال این بود که یک بانک قوی مثل دوپچه بانک یا کامرس بانک با هم ادغام شوند تا بانک بزرگی تشکیل شود و بتواند در مقابل فشارهای آمریکا مقاومت کند؛ یعنی سیستم پولی اروپا از تسلطی که آمریکا به خاطر دلار دارد، راضی نیست؛ ولی هنوز نتوانسته در عمل برای آن راهی پیدا کند.

● **سران اروپایی در مذاکرات اخیرشان در واشنگتن از برنامه موشکی ایران و بحث‌های منطقه‌ای ابراز نگرانی کرده‌اند؛ ازاین‌رو این نگرانی وجود دارد که آنها بخواهند فشار موازی بر ایران اعمال کنند. شما از سوی آلمان چنین نکته‌ای را دیده‌اید؟**

این نگرانی هم از زبان فرانسوی‌ها گفته می‌شود و هم آلمان‌ها و انگلستان. البته من سیاست‌های آلمان را محافظه‌کارانه‌تر از فرانسوی‌ها می‌دانم؛ بنابراین شدت و حدتی را که آنها دارند، آلمانی‌ها ندارند و سیاست‌های منطقه‌ای را متفاوت می‌بینند. در زمینه سوریه واقعاً آلمان‌ها سیاست ما را قبول ندارند. در زمینه یمن هم موضوع آنها متفاوت است و نظرهاش مشابه ما نیست؛ ولی امکان صحبت و مذاکره با آنها وجود دارد و می‌توان به راه‌حلی رسید.

● **این بهانه‌ای شد که یک دور مذاکره بر سر یمن در حاشیه اجلاس مونیخ بین ایران و شرکای اروپایی انجام شود؟**

بله من خودم در آن جلسه بودم. این مذاکرات با U4 و E3 انجام شد و هم‌زمان موضوع قطع‌نامه درباره یمن مطرح شد و ما کمی تردید کردیم. {دور بعدی مذاکرات هم روز پنجشنبه در ایتالیا برگزار شد}.

اما مذاکره در مونیخ، مذاکره خوبی بود و ابتکار عمل هم دست ایران بود و ایران کاملاً می‌دانست که چه می‌خواهد. برای آنها جذاب بود. می‌توانم بگویم که آن چهار کشور برنامه مشخصی ارائه نکردند و ما دست برتر را داشتیم. می‌دانستیم که چه می‌خواهیم و برنامه مشخصی داشتیم، آنها انتظار داشتند که ما حوئی‌ها را راضی کنیم تا پای میز مذاکره بایند و ما این کار را کرده بودیم. دیدارهایی انجام شده و آنها کاملاً از اقدامات ما راضی بودند؛ ولی هم‌زمان بدون اطلاع ما با آمریکا صحبت کرده بودند و قطع‌نامه‌ای در شورای امنیت آورده بودند که روسیه آن را وتو کرد. ایران این مذاکرات پنهانی را نمی‌پذیرفت و اینجا هم حق با ما بود؛ چون نمی‌شود که شما وارد مذاکره شوید و از طرف دیگر دست به اقدامات دیگری بزنید؛ بنابراین در آینده هم اگر آمریکا خارج شود، ما درباره مسائل منطقه‌ای و مسئله موشکی، رویکرد متفاوتی خواهیم داشت؛ چون آنها دنبال راضی‌کردن آمریکا از این اجاز هستند. ایران گفته که راجع به برجام مذاکره مجدد نمی‌کند؛ بنابراین اگر آمریکا از برجام خارج شود، رویکرد متفاوتی باید در پیش بگیریم. اینکه ما در سوریه یا یمن چگونه عمل کنیم، جای بحث دارد؛ ولی گفته بودیم که راضی‌کردن آمریکا از سوی سه کشور و از محل ما هزینه‌کردن، بحث درستی نیست.

● **آقای رئیس‌جمهور چند روز اخیر پیام جدیدی در موضوع برجام و مسائل مرتبطش مطرح کردند. در تماس تلفنی با آقای مکرون گفتند که اگر در موعد ۱۲ می (۲۲ اردیبهشت) برجام تمدید هم شود؛ ولی آمریکا همان روند قبلی را در پیش بگیرد، ما تمصل عمل کنیم. فردای آن روز هم آقای عراقچی این نکته را تکرار کردند. آیا شما خبر دارید که در ساختار حاکمیت تصمیم جدیدی در مواجهه با اتفاقات ۲۲ اردیبهشت گرفته شده و این پیام آن تصمیم است یا نه؟**

اگر تصمیمی هم گرفته شده باشد، من در سطحی نیستم که مطلع باشم؛ ولی در حقیقت تداوم ابهامی که برای شرکت‌ها به وجود می‌آورد، ما را از برخی منافعی که در برجام هست، محروم کرده. نمی‌خواهم بگویم که هیچ کاری نشده. نه، خیلی کارها هم شده؛ مثل نفت و کشتی‌رانی و بیمه و... ولی وقتی شرکتی می‌خواهد برای سرمایه‌گذاری به ایران بیاید یا فاینانس بلندمدت انجام شود، یک فضای پیش‌بینی‌پذیر می‌خواهد. وقتی پروژه‌ای فاینانس می‌شود که سه سال دوره ساختش طول می‌کشد و بعد چندین سال بعد از آن هزینه‌هایش بازپرداخت می‌شود، نیازمند آن است که پیش‌بینی درستی انجام شود تا پروژه با مشکل روبه‌رو نشود.

نگاه

تخریب برجام و برگ برنده ایران

حسن احمدیان . دکترای مطالعات منطقه‌ای

● پروژه هسته‌ای یک پروژه ملی بود. به‌همین‌دلیل برجام توافقی با قدرت‌های جهانی بر سر یک پروژه ملی بود و بنابراین لازم بود با اجماع داخلی پیش برود. این اجماع در نهایت با وجود برخی اختلاف‌نظرها شکل گرفت و برجام امضا شد؛ اما اکنون با وجود دولت افراطی و با گفتمان ضدایرانی ترامپ، آینده برجام با ابهام روبه‌رو است. به موازات آن، بحث واکنش‌های ایران به خروج احتمالی ترامپ از برجام اهمیت می‌یابد. در این زمینه سناریوهای متعددی مطرح شده و می‌شود؛ اما پیش‌ازاین سناریوها و برای یافتن یا پیشنهاد پاسخی قانع‌کننده به خروج آمریکا از برجام، لازم است بدانیم که برجام چه کرد. زمینه این پرسش آن است که آیا برجام برای ایران وسیله بود یا هدف.

طبعاً برجام صرفاً وسیله بود؛ وسیله‌ای برای کنترل و مهار سه‌گانه تحریم. ایران‌هراسی و مهم‌تر از همه، سیاست تغییر رژیم (regime change). برجام در حالت ایده‌آل، با غیرامنیتی‌کردن ایران و خارج‌کردن آن از نقطه کانونی بحران در جهان، سه‌گانه یادشده را تأمین می‌کرد. چنانچه برای برخی برجام هدف بوده باشد، اکنون باید ناامید و مستاصل، سرنوشت آن را نظاره کنند؛ اما اگر برجام تنها به‌عنوان یک وسیله در نظر گرفته می‌شد، اکنون نیز نباید ناامید بود؛ زیرا روشن است که یک وسیله، در صورت کارنکردن، قابل اصلاح یا حتی جایگزینی است. اگر برجام را وسیله کنترل سه‌گانه خطرناک بالا بدانیم، حفظ آن تنها تا هنگامی حائز اهمیت و ضروری است که هدف خود را تأمین کند؛ اما آیا برجام سه‌گانه بالا را تأمین کرده است؟ دشوار است که صرفاً با بله یا خیر پاسخی قطعی داد.

در هر سه ضلع سه‌گانه یادشده نه می‌توان از کارکردن کامل برجام برای ایران سخن گفت و نه از بی‌اثربودن آن. در مورد نخست، برجام تحریم‌های بین‌المللی مرتبط با پرونده هسته‌ای را لغو کرد؛ اما ایران - به دلیل رفتار مهم دولت آمریکا و در نتیجه، بیم سرمایه‌گذاران خارجی و تسوې داخلی - بسیار کمتر از آنچه انتظار می‌رفت، از رفع تحریم سود برد. در مورد دوم، طبعاً نگاه جهان به ایران به‌عنوان یک کشور برهم‌زننده نظم و امنیت منطقه‌ای تغییر کرد و تعهد ایران به برجام به این تغییر کمک کرد؛ اما در مقابل، ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن تلاش کرده‌اند تا ایران‌هراسی را این بار با تمرکز بر سیاست منطقه‌ای ایران و ارائه تصویر ایران به‌عنوان برهم‌زننده ثبات و امنیت منطقه‌ای، بازتولید کنند. البته در این زمینه موفقیت چندانی به دست نیاورده‌اند. در مورد سوم، سیاست تغییر رژیم به طور رسمی از سوی اوباما در سازمان ملل و نیز در نامه‌های او خطاب به مقام معظم رهبری کنار گذاشته شد. هدف آن دولت تعامل با ایران برای تغییر رفتار - و نه نظام - جمهوری اسلامی ایران بود؛ اما دولت ترامپ به‌وضوح و به طور رسمی و از زمان مقام‌های بلندپایه آن سیاست تغییر رژیم را از سر گرفته است.

بنابراین، با مرور سه‌گانه یادشده روشن می‌شود برجام به‌عنوان وسیله، به شکلی که انتظار می‌رفت، کار نکرده است. دلیل آن بدعهدی دولت ایالات متحده است؛ بنابراین، انگیزه‌های ایران برای ابقای برجام و پایبندی به آن نباید بالا باشد. در نتیجه، خروج ایران از برجام پس از خروج ایالات متحده با توجه به سه‌گانه یادشده، عقلانی‌ترین گزینه به نظر می‌رسد؛ اما آنچه تا اینجا مطرح شد، تنها یک روی سکه است. روی دیگر سکه سیاست جدید ایالات متحده و اهداف آن است. به عبارتی، سیاست‌گذار ایرانی نباید تنها براساس چالش‌های داخلی تصمیم‌گیری کند. اهداف طرف مقابل گاه از اولویت‌های داخلی نیز مهم‌تر و توجه به آنها ضروری‌تر است. پرسش آن است که ترامپ چه می‌خواهد؟

برای دولت جدید آمریکا تخریب برجام وسیله است؛ وسیله‌ای برای بازگرداندن ایران به نقطه کانونی بحران. دولت ترامپ تنها برجام را هدف نگرفته است. هدف بار دیگر تغییر رژیم است. ابزار رسیدن به تغییر رژیم، تخریب برجام و بازگرداندن ایران به نقطه آغاز یعنی تبدیل آن به نقطه کانونی بحران در جهان است. تمرکز بر سیاست منطقه‌ای ایران و سخن از لزوم یک توافق مکمل برای برجام تنها اهداف اعلامی با هدف اعمالی تغییر رژیم است. ایران، از دید مجموعه پیرامون آقای ترامپ، در حد و اندازه‌ای نیست که طرف مذاکره ایالات متحده قرار بگیرد و از همین منظر دولت اوباما مورد انتقاد این مجموعه تهران پیش بربرد.

ادامه درصفحه ۱۳